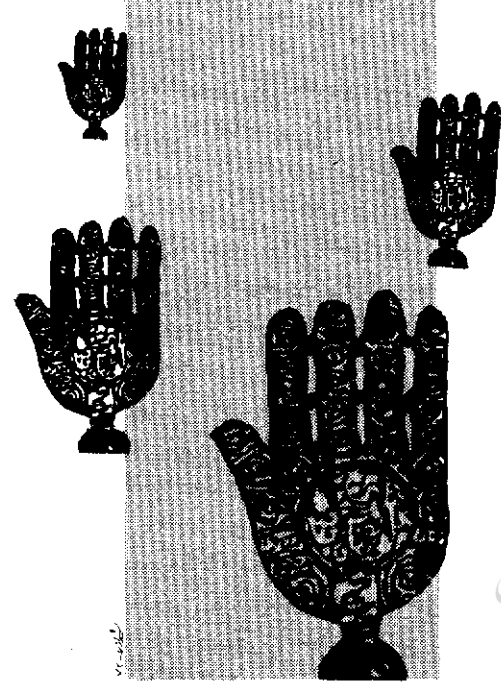


شیعه و صیانت قرآن کریم



دکتر محمد مهدی جعفری
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

علی (ع) از آن روز که رسول خدا (ص) اسلام را به او عرضه کرد، تاروژی که به پروردگارش پیوست، هرگز از اسلام و قرآن جدا نشد، و در حق، از آن هنگام که به او نشان داده شد تا پایان، هیچ شکی نکرد، که خود گفته است: مَا شَكَّكَ فِي الْحَقِّ مَذْأَرِيْتُهُ.

او همواره از کتاب وحی و معلّمان قرآن بود و در حیات رسول خدا (ص)، به دستور آن حضرت و پس از رسول خدا (ص) به وصیت ایشان به گردآوری قرآن کریم اهتمام می ورزید و در طول بیست و پنج سال خلافت سه خلیفه اول و حدود پنج سال خلافت خویش، با سکوت، تأیید، دادن نظر مشورتی، تصحیح برخی از آرا و اعمال و تعلیم و سرانجام جهادی پیگیر، پیوسته در حفظ تمامیت و جلوگیری از انحراف و تحریف قرآن کوشید.

امام علی درباره رسالت پیامبر اکرم (ص) و قرآن می گوید:

«ثُمَّ اخْتَارَ سُبْحَانَهُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، لِقَاءَهُ، وَرَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ، وَآكَرَمَهُ عَنِ دَارِ الدُّنْيَا، وَرَغِبَ بِهِ عَنِ مُقَارَنَةِ الْبَلْوَى؛ فَفَبِضْءِهِ إِلَيْهِ كَرِيماً، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَخَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّهَاتِهِمْ، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بِغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ وَلَا عِلْمٍ قَائِمٍ.»^۲

(آن گاه خدای سبحان دیدار خویش را برای محمد (ص) برگزید، و نعمتهای موجود در پیشگاه خود را بهره پسندیده او گردانید، و با فرا خواندنش او را از بودن در کنار آزمونهای پر آشوب و گرفتاریها برگرفت و در جایگاهی ارجمندتر گذاشت، و با ارج بسیار، آن بزرگوار را به بارگاه پروردگاری خود برد.

پیامبر گرامی نیز پس از خود چیزی را در میان شما گذاشت که پیامبران گذشته در میان امتهای خود گذاشتند؛ زیرا هیچ پیامبری با رخت بر بستن از مجرای طبیعت هرگز امت خود را، بدون اینکه راهی روشن در پیش ایشان گذارد، و پرچمی برافراشته فرا رویشان به اهتزاز در آورد به حال خود رها نکرده است.)

۱- حکمت ۱۸۴ نهج البلاغه به شماره گذاری دکتر صبحی صالح.
۲- از خطبه ۱ نهج البلاغه



و در وصف قرآن سخن بسیار گفته است، از جمله:

«فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَبُحْبُوحَتُهُ، وَتَبَاطُحُ الْعِلْمِ وَبُحُورُهُ، وَرِيَاضُ الْعَدْلِ وَغُدْرَانُهُ، وَأَثَابُ الْإِسْلَامِ وَبُيِّنَاتُهُ، وَ أَوْدِيَةُ الْحَقِّ وَغَيْطَانُهُ، وَبِحْرٍ لَا يَتَرَفَهُ الْمُسْتَتِرُونَ، وَعُيُونٌ لَا يُنْبِضُهَا الْمَأْخُونُ، وَمَنَاهِلٌ لَا يَفِيضُهَا الْوَارِدُونَ، وَمَنَازِلٌ لَا يَضِلُّ نَهْجُهَا الْمُسَافِرُونَ، وَأَعْلَامٌ لَا يَعْصِي عَنْهَا السَّائِرُونَ، وَإِكَامٌ لَا يَجُوزُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ»^۳

(پس قرآن کان ایمان و کانون فروزان آن است، سرچشمه‌ها و دریا‌های دانش است، و آبگیرها و برکه‌های دادگری است، و شالوده‌ها و ساختمان اسلام است، و دره‌ها و دشتهای پهناور حق است. دریایی است که به کف آب بردارندگان نمی‌توانند آن را به پایان رسانید، و چشمه‌سارهایی که کشندگان آب را یارای خوشانیدن آنها نیست، و آبشخورهایی که وارد شوندگان در آن آبش را فرو خوردن نتوانند، و منزهایی که راهیان از مسیر روشنش گم نمی‌شوند، و پرچمهای برافراشته‌ای که راهپیمایان با رفتن به سوی آنها در راه خود سرگردان نمی‌گردند، و تپه‌های مرتفعی که آهنگ‌کنندگان از آنها در نمی‌گذرند).

و خود را که ثقل اصغر است چنین معرفی می‌کند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، خُذُواهَا عَنْ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

«إِنَّهُ يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنَّا وَلَيْسَ بِمَيِّتٍ، وَبَيِّلٌ مَنْ بَيَّلَ مِنَّا وَلَيْسَ بِبَيَّلٍ»؛ فَلَا تَقُولُوا بِمَا لَا تَعْرِفُونَ، فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيهَا تُنْكِرُونَ، وَأَعْذَرُوا مَنْ لَا حُجَّةَ لَكُمْ عَلَيْهِ- وَهُوَ أَنَا- أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ، وَأَتْرُكُ فِيكُمْ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ؟^۴ (مردم، این حقیقت را از خاتم پیامبران فرا گیرید که فرمود:

«کسانی از ما می‌میرند، که در حقیقت مرده نیستند و از ما می‌پوسند، که در حقیقت پوسیده نیستند»؛ پس بدانچه معرفت ندارید سخن نگویند؛ زیرا بیشتر حق در چیزی است که شما بدان اعتراض می‌کنید (یا نمی‌شناسید)، و کسی را که علیه او دلیل و حجتی ندارید معذور بدانید- و آن کس من هستم-؛ آیا بر پایه‌ی گران گوهر بزرگتر؛ یعنی قرآن در میان شما عمل نکرده‌ام، و گران گوهر کوچکتر یعنی امامان پس از خود را در میان شما به جای نگذاشته‌ام؟) با توجه بدین مقدمه تمهیدی، اکنون به قرآن و تاریخ و علوم آن برمی‌گردیم و موضع شیعه را در برابر آن ملاحظه می‌کنیم:

کاتبان وحی

بلاذری می‌گوید: «هنگام ظهور اسلام در قریش هفده مرد می‌توانستند خط بنویسند و آنان عبارت بودند از: عمر بن خطاب، علی بن ابی‌طالب، عثمان بن عفان، ابوعبیده بن جراح، طلحه...»^۵

با توجه به اینکه در آغاز ظهور اسلام، از میان این افراد، علی بن ابی‌طالب (ع) و بعدها عثمان و طلحه مسلمان شدند، می‌توان گفت که نخستین کاتب وحی علی بن ابی‌طالب (ع) بوده است. علی بن ابی‌طالب (ع) علاوه بر کتابت وحی، عهدنامه‌های منعقد شده میان رسول خدا و دیگران را هم می‌نوشته است، و عبدالله بن ارقم نیز علاوه بر کتابت وحی کاتب رسائل رسول خدا (ص) بوده است.^۶

در مدینه نخستین کسی که وحی را برای پیغمبر می‌نوشت «ابی‌بن کعب» بود. او از شیعیان علی و از جمله کسانی است که بعد از جریان سقیفه با ابوبکر بیعت نکردند،^۷ و حتی به قولی^۸ ابی‌بن کعب قصد داشت در جمعه بعد از بیعت با ابوبکر جریان توطئه سقیفه را فاش کند؛ لیکن زنده نماند.

پس قرآن در مکه، از آغاز به دست امام و رهبر شیعه و در مدینه از آغاز به دست یکی از بزرگان اصحاب پیامبر اکرم (ص) و از یاران نزدیک امیرالمؤمنین (ع) نوشته شده است، و در صفحات بعد خواهیم دید که در جمع آوری و قرائت قرآن به این دو بزرگوار بیش از دیگران اتکا و اعتماد بوده است.

گردآورندگان قرآن

گردآوری قرآن، به‌طور مشهور، در سه نوبت انجام گرفته است:

نخست در زمان رسول اکرم (ص)

ابن سعد در طبقات (ج ۲، ص ۴۲۶ ترجمه) گوید که «محمد بن یزید واسطی از اسماعیل بن ابوخالد، از شعبی نقل می‌کند که می‌گفته است: به روزگار رسول خدا (ص) قرآن را شش تن جمع کردند و آنان «ابی‌بن کعب» و «معاذ بن جبل» و «ابودرداء» و «زید بن ثابت» و «سعد» و «ابوزید» بودند... «ابن سعد به هشت روایت دیگر این مطلب را نقل کرده است (طبقات، ج ۲، ص ۴۲۷ و ۴۲۸ ترجمه) و در همه آن روایات از «ابی‌بن کعب» نام می‌برد. ابی‌بن کعب، به اتفاق مورخان، از شیعیان امام علی بن ابی‌طالب، و از جمله دوازده نفری است که در اعتراض به خلافت ابوبکر با او بیعت نکردند.

دوم به دست امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع)

رسول خدا (ص) پس از جمع آوری نخستین قرآن، به کمک افراد یاد شده، به علی (ع) سفارش می‌کند که قرآن را گردآوری کند:

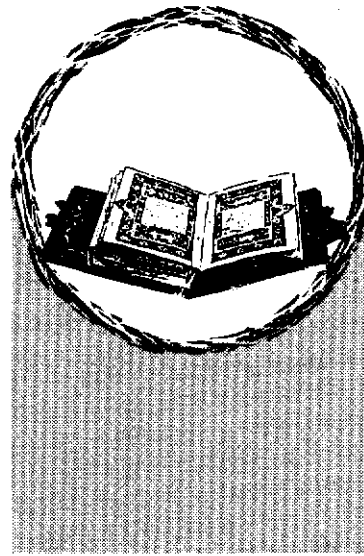
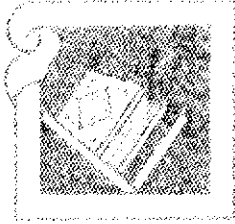
«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَوْصَى إِلَيَّ، وَأَوْصَانِي أَنْ لَا أُجْرِدَ سَيْفًا بَعْدَهُ حَتَّى يَأْتِيَنِي النَّاسُ طَوْعًا، وَأَمْرِي بِجَمْعِ الْقُرْآنِ، وَالصَّمْتِ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لِي مَخْرَجًا»^۹

و ابن ابی داوود از طریق دیگری از ابن سیرین روایت کرده که گفت: علی فرمود: وقتی پیغمبر اکرم وفات یافت عهد کردم که ردایم را برنگیرم مگر برای نماز جمعه تا اینکه قرآن را جمع کنم، و آن را جمع کرد.^{۱۰}

سوم- جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر و عثمان

بخاری در صحیح خود از زید بن ثابت آورده که گفت: ابوبکر هنگام جنگ پیامه مرا فراخواند، دیدم عمر بن الخطاب هم نزد

۳- از خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه.
۴- از خطبه ۸۷ نهج البلاغه.
۵- ترجمه فتوح البلدان، ص ۶۵۶، چاپ دوم، ۱۳۶۷، نشر نقره، تهران.
۶- شناخت قرآن، کمالی دزفولی، ص ۹۵ به نقل از أسد الغابة.
۷- تأسیس الشیعه، السید حسن الصدر، ص ۳۲۳، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۶۹.
۸- قول سید مرتضی به نقل از شیخ مفید در کتاب الفصول المختارة، به گفته تأسیس الشیعه، ص ۳۲۴.
۹- الشیخ المفید، الفصول المختارة من العیون والمحاسن، ۲۰۱.
۱۰- اتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۲۰۳، ترجمه.



مهمترین دلیل بر اعتبار و وثوق
نسخه عثمان ، نظارت امیر -
المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)
بر این استنساخ است ، که روایات
سنّی و شیعه مؤید این ادعا ست .

علی (ع) بعد از پیغمبر (ص)
سوگند یاد کرد که ردا نپوشد تا ما
بین دو لوح را جمع کند و کاملاً
به سوگند وفا کرد .

اوست ، پس ابوبکر گفت : عمر به نزد آمد و گفت : کشتار در قرآن
قرآن شدت یافته است و من می ترسم که کشتار قرآن در جاهای
دیگر هم واقع شود و در نتیجه قسمت زیادی از قرآن از بین برود . . .
من نیز رأی و نظر عمر را یافتم . زید می گوید : ابوبکر خطاب به من
گفت : . . . قرآن را جستجو و جمع آوری کن . من نخست
مقاومت کردم ؛ اما ابوبکر پیوسته در این باره با من سخن گفت تا
اینکه خداوند سینه مرا مانند سینه ابوبکر و عمر برای این کار فراخ
گردانید ، آن گاه به جستجوی قرآن پرداختم و آن را از روی چیزهای
مختلف و سینه افراد جمع آوری کردم . . . این نوشته ها نزد ابوبکر
بود ، تا اینکه خداوند مرگش را رسانید ، سپس تا عمر زنده بود نزد او
بود ، و سپس نزد حفصه دختر عمر .^{۱۱}

این قرآن همچنان در میان مسلمانان رواج داشت و مورد قبول
همه اصحاب پیامبر اکرم (ص) بود ، تا اینکه در زمان عمر بن خطاب
و سپس در دوران خلافت عثمان بن عفان ، دامنه فتوحات مسلمانان
در بیرون جزیره العرب گسترش یافت . حافظان و قاریان قرآن نیز
چون دیگر مسلمانان ، در این کشورگشاییها و جنگها شرکت داشتند
که عده ای از آنان کشته شدند و عده ای دیگر در نقاط دوردست
قرائتهای خاصی از قرآن را نوشته بودند و به دیگران تعلیم
می دادند ، و بدون اینکه غرضی در کار باشد اختلاف در قرائت و در
کتابت برخی از کلمات قرآن پدید آمد . در نتیجه عثمان به اندیشه ای
بین بردن این اختلافات افتاد و یار دیگر از زید بن ثابت و دیگر کتابان
وحی و قاریان قرآن خواست نسخه ای از قرآن را ، بدون اختلاف
بنویسند . این افراد نسخه موجود در نزد حفصه را گرفتند و از روی
آن چند نسخه نوشتند و آنها را به مناطق مهم اسلامی فرستادند .
البته استنساخ مجدد قرآن در دوره عثمان و به دستور عثمان ، تنها از
روی نسخه موجود در نزد حفصه نبوده و از روی مصاحف اُبی بن
کعب و خزیمه بن ثابت و برخی دیگر از اصحاب نیز نسخه برداری
شده است .

از همه اینها گذشته ، مهمترین دلیل بر اعتبار و وثوق نسخه
عثمان ، نظارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بر این استنساخ
است ، که روایات سنّی و شیعه مؤید این ادعا می باشد .
ابن ابی داوود به سند صحیح از سوبدین غفله آورده که گفت :
علی (ع) فرمود : جز خیر چیزی درباره عثمان مگویند ، به خدا قسم
آنچه درباره مصاحف انجام داد جز با مشورت ما نبود . . .
و حارث محاسبی گفته : . . . و علی (ع) می گفت : اگر در

مصحفها ولایت می یافتم همان کار عثمان را می کردم .^{۱۲}
بنابراین ، هر سه جمع آوری یا به دست سران شیعه و یا با نظارت
و همکاری آنان صورت گرفته است ، و هیچ يك از ائمه (ع) نظری
مخالف با این جمع آوری نداشته اند .
شیخ محمد ابوزهره ، از دانشمندان معاصر اهل سنّت
می نویسد :

«علی که پس از عثمان ریشه فتنه را از بین برد می فرماید : ای
مردم ، از خدا پروا داشته باشید و درباره عثمان به ناحق سخن
نگویید که چرا قرآن را سوزاند ، به خدا سوگند قرآن را سوزاند
مگر در حضور ما صحابه رسول خدا (ص)» .^{۱۳}
حتی کسانی از دانشمندان شیعه که معتقدند علی (ع) قرآن را به
ترتیبی غیر از ترتیب موجود گردآوری کرده است و در گردآوری زمان
ابوبکر و عثمان ، به سرپرستی زید بن ثابت ، دخالت نداشته است ،
قائل به اختلاف مصحف علی (ع) با قرآن موجود ، از جهت کلیت و
جامعیت ، نیستند . علامه طباطبائی می نویسد :

«علی (ع) با اینکه خودش پیش از آن ، قرآن مجید را به ترتیب
نزول جمع آوری کرده بود و به جماعت نشان داده بود و مورد پذیرش
نشده بود ، و در هیچ يك از جمع اول و دوم وی را شرکت نداده
بودند ، با این حال هیچ گونه مخالفت و مقاومت به خرج نداد و
مصحف دائر را پذیرفت و تا زنده بود . حتی در زمان خلافت خود دم
از خلاف نزد . . .^{۱۴} و همچنین دیگر ائمه اهل بیت نیز هیچ يك
نظری مبنی بر مخالفت با قرآن موجود نداده اند و همه آنان چه در
زمان نداشتن قدرت و دوران تقیه و چه در زمان قدرت و فراهم بودن
زمینه اظهار نظر - همچون دوره دوم زندگی امام صادق (ع) و امام
رضا (ع) - ، قرآن موجود را کامل و جامع و بدون کم و کاست
دانسته اند .

روایات دیگری نیز از بزرگان سنّی و شیعه در این باره در دست
است : ابن سعد در طبقات (ج ۳ ، ص ۱۳۷) گوید : روایت شده که
علی (ع) بعد از پیغمبر (ص) سوگند یاد کرد که ردا نپوشد تا ما بین
لوح را جمع کند و کاملاً به سوگند وفا کرد .^{۱۵}
علامه در تذکره گوید :

مصحف امیرالمؤمنین (ع) که پس از رحلت پیغمبر جمع کرد
همین مصحف متداول امروزی است و مصاحف دیگر را عثمان
سوزانید .^{۱۶}

۱۱- اتقان ، ج ۱ ، ص ۲۰۲ ، ترجمه .
۱۲- اتقان ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ ، ترجمه .
۱۳- معجزه بزرگ (ترجمه المعجزة الکبری) ، ص ۶۲ .
۱۴- قرآن در اسلام ، ص ۱۶۵ .
۱۵- کمالی در توفیق ، شناخت قرآن ، ص ۱۱۳ .
۱۶- همان .

مصحف امیرالمؤمنین (ع) که آن حضرت پس از رحلت رسول اکرم (ص) جمع آوری کرد همین مصحف متداول امروزی است و مصاحف دیگرا عثمان سوزانید .

سُلمی است (که بنا بر مشهور معلّم قرآن حسنین (ع) بوده است) عاصم نیز قرائت را از سُلمی فرا گرفته است، و علت اینکه قرائت عاصم رواج عام یافته و مورد قبول همه فرق اسلامی است، اخذ او از ابوعبدالرحمان و اخذ ابوعبدالرحمان از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است.

لیکن گذشته از این واقعیت، شیعه هرگز در برابر قرائتهای مشهور، اعم از عاصم شیعی یا دیگر قراء غیر شیعی موضع مخالف نگرفته است، و چنان که پیش از این از علامه طباطبائی نقل گردید، ائمه، امر به پیروی از قرائتهای مشهور فرموده اند.

تحریف قرآن

از همان صدر اسلام، روایاتی از منابع غیر موثق عامه و خاصه، مبنی بر کم و زیاد شدن قرآن در میان مسلمانان رواج یافته است؛ گاه به عنوان نسخ تلاوت و بقای حکم، گاه به عنوان نسخ قرآن به وسیله سنت، و احياناً به اتهام برداشته شدن برخی از آیات که زیان قومی در آنها مشاهده می شده است.

لیکن ما هرگز روایتی موثق از هیچ منبعی، شیعه یا سنی، در این باره در دست نداریم و روایاتی هم که درباره نسخ تلاوت آیه ای یا آیاتی به عایشه و عمر نسبت می دهند قابل اثبات نیست. از طرف دیگر، دلایل فراوانی نیز بر جامعیت و دست نخوردگی و تحریف نشدن قرآن از ائمه (ع) و بزرگان شیعه موجود است که هرگونه اتهامی را درباره قول به تحریف قرآن از دامان پاک شیعه می زداید.

«محققان از علمای امامیه، از دوران شیخ مفید تاکنون، به پیروی از نظرات محققانه این مرد بزرگ، قاطعانه شبهه تحریف را رد کرده به هیچ وجه آن را قابل قبول ندانسته اند.»^{۲۱}

نظریات و آراء علمای امامیه مبتنی بر روایات ائمه (ع) است. از جمله آن روایات، گفتار امام محمدبن علی الباقر (ع) است در ضمن نامه ای به سعدالخیر که می فرماید:

«وكان من نبدھم الكتاب، أن أقاموا حروفه و حروفوا حدوده»^{۲۲}
امام در این نامه، در پاسخ سؤال از چگونگی به پشت سر انداختن کتاب خدا می فرماید: این افراد حروف و کلمات قرآن را حفظ کردند و هیچ گونه دستی در آن نبرده اند؛ لیکن حدود و احکام آن را تحریف کردند و به گونه ای که با هوا و میلشان تطبیق می کرد به اجرا درآوردند.

روایات دیگری از امام علی (ع) - چه در نهج البلاغه و چه در منابع و مآخذ دیگر - و از امام باقر و امام صادق و امام رضا علیهم السلام، و ائمه دیگر درباره تمامیت و جامعیت و راه نیافتن اضافه و نقصان به قرآن فراوان است.

شیخ مفید در رساله سروه گوید:
«بدون شك، آنچه امروزه مابین دو جلد مصحف شریف قرار دارد، به طور کامل، قرآن کریم و کلام وحی الهی است، هرگز بر آن زیادتی نشده و چیزی از کلام بشری در آن وجود ندارد. . . و در روایات صحیحیه از ائمه هدی علیهم السلام دستور رسیده که همان را بخوانیم و مورد عمل قرار دهیم، و به دیگر پندارها در زمینه کم و زیاد شدن قرآن ارج ننهیم.»^{۲۳}

پیش از شیخ مفید، استاد او شیخ صدوق درباره حجم قرآن می گوید: «اعتقادنا أن القرآن الذي أنزله الله تعالى على نبيه محمد (ص) هو ما بين الدفتين، وهو ما في ايدي الناس، ليس بأكثر من ذلك، و مبلغ سورة عبدالناس مائة و اربع عشرة سورة. . . و من نسب إلينا أن يقول أنه أكثر من ذلك فهو كاذب.»^{۲۴}

قرائت قرآن

چون آیات قرآن نازل می شد، پیامبر اکرم (ص) آنها را قرائت می کرد و کاتبان وحی آنها را می نوشتند و حافظان، آنها را به حافظه می سپردند؛ اما چون کتابت، در آن روزگار و تا دهها سال بعد بدون نقطه و اعراب صورت می گرفت، پس از رسول خدا (ص)، اختلاف در قرائت برخی از کلمات و تلفظ حروف پدید آمد؛ لیکن اصحاب پیامبر در قرائت قرآن و تعلیم آن به دیگران مورد اعتماد و اتکا بودند.

شیخ محمد ابوزهره می نویسد: «تعدادی از صحابه به این کار [قرائت پیامبر] شهرت یافتند، آنان به میدانهای جنگ نمی رفتند تا مردم را آموزش دهند و آنان را در دینشان آگاه سازند و قرآن را بر آنان بخوانند. از جمله آنان می توان از «عثمان بن عفان» و «علی بن ابی طالب» - مرد شجاع اسلام که برای خاطر جهاد علم و قرآن، از جهاد با شمشیر دست کشید - و نیز «آبی بن کعب» و «زید بن ثابت» و «عبدالله بن مسعود» و «ابوالدرداء» نام برد.»^{۱۷}

به تدریج که دامنه اسلام گسترش می یافت و قرآن در میان مسلمانان غیر عرب و در مناطق دور از جزیره العرب رایج می شد و اصحاب و تابعان و اتباع تابعان برای جنگ با کفار یا تعلیم قرآن و تبلیغ اسلام به نقاط دور دست می رفتند، اختلاف در قرائت قرآن نیز بیشتر می شد. سرانجام از میان قرائتها، هفت قرائت، و در سطح کمتری، ده قرائت میان مسلمانان جهان اسلام رواج بیشتری یافت. شهرهایی چون مکه و مدینه و بصره و دمشق هر کدام، يك قاری مشهور داشتند و کوفه دارای سه قاری مشهور بود. از آن جمله «عاصم کوفی و راویان وی؛ ابوبکر شعبه بن عیاش و حفص می باشند و قرآنی که امروزه در میان مردم دایر است، مطابق قرائت عاصم است به روایت حفص.»^{۱۸} «عاصم بن ابی النجود کوفی مولای بنی جذیمه، قرائت را از ابو عبدالرحمان سُلمی و او از امیرالمؤمنین (ع) و همچنین از سعد بن ابی سبیان و زر بن حبیش اخذ کرده در سال ۱۲۷ یا ۱۲۹ هجری در کوفه درگذشته است.»^{۱۹} «قرائتهای دیگری نیز نقل شده؛ مانند قرائتهایی که به طور متفرقه از اصحاب رسیده. . . و همچنین قرائتهای متفرقه از ائمه اهل بیت (ع) روایت شده؛ ولی روایتهای دیگر از ایشان رسیده که امر به اتباع قرائتهای مشهور می نماید.»^{۲۰}

بنابراین روایات و آگاهیها، امام علی (ع) از همه اصحاب رسول خدا (ص) به قرائت قرآن داناتر بودند. او قرائت را به تعداد فراوانی از مسلمانان تعلیم داده است، از جمله آنان ابوعبدالرحمان



۱۷- معجزه بزرگ، ص ۷۱.
۱۸- علامه طباطبائی، قرآن در اسلام، ص ۱۷۷.
۱۹- همان، ص ۱۷۷ پاوردی.
۲۰- همان، ص ۱۷۹.
۲۱- محمدهادی معرفه، تعریف و نزول دفعی قرآن، مقالات فارسی، ج ۷۲ (از مجموعه مقالات کنگره هزاره شیخ مفید)، ص ۲۷ به بعد.
۲۲- از منبع قبل به نقل از روضه کافی، ص ۵۳، رقم ۱۶.
۲۳- همان، به نقل از رسائل شیخ مفید ص ۲۲۶-۲۲۵.
۲۴- الاعتقادات، ص ۸۴، من منشورات المؤتمر العالمي لآلئفة الشيخ المفید.

و پس از شیخ مفید، شاگرد بزرگ و اصولی او شیخ طوسی، قول به زیادت و نقصان در قرآن را رد می‌کند و می‌گوید:

«و روایاتنا متناصرة بالحث علی قراءته والتمسك بما فيه بدلیل حدیث الثقلین.»^{۲۵}

و بعد از شیخ طوسی، دیگر دانشمندان شیعه نیز تا امروز همین عقیده را دارند که در اینجا به یکی دو نظر از دانشمندان معاصر اشاره می‌شود.

تنها در دوران رواج و حاکمیت حدیث، عده‌ای از کسانی که حدیث را بر قرآن ترجیح می‌داده‌اند و برخلاف گفته رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) درستی قرآن را با معیار و ملاک حدیث می‌سنجیده‌اند، و به علت حفظ مقدار زیادی حدیث و انباشتن آنها در ذهن سطحی خود، به «حشویه» مشهور شده‌اند، تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی روزگار خویش، قائل به وقوع تحریف در قرآن شدند. این قول با مخالفت شدید علمای شیعه مواجه شده و در رد قولشان اظهار نظرهای مستدلی کرده‌اند، و از همه آنها شدیدتر، شیخ مفید، به حشویه و رد گفتارشان پرداخته و به آنان حمله کرده است. شاید نتوان هیچ‌یک از دانشمندان متقدم و متأخر شیعه را یافت که قائل به تحریف قرآن باشد. حتی محدث نوری هم که در این باره سخن بسیاری دارد، می‌گوید من گفته قائلان به تحریف را نقل کرده‌ام، و نه نظر خود را، و از این گفته مستفاد می‌شود که وی هم قائل به تحریف و نقصان در قرآن موجود نبوده است.

از شیعیان، کسانی که قائل به تحریف و کم و زیاد در قرآن اند، نخست همان اهل ظاهر و اخباریه، یا به قولی، حشویه هستند که هیچ سند و دلیلی بر ادعای خود ندارند و همه علمای شیعه امامیه، بخصوص از شیخ مفید به بعد، گفتارشان را بی پایه و برخلاف قرآن و شرع و سنت و عقل و دلیل دانسته‌اند.

مطالبی نیز در این باره در کتاب احتجاج آمده است که آن را به مرحوم طبرسی نسبت می‌دهند؛ لیکن مفاد کتاب، مخصوصاً در موضوع تحریف قرآن، با سبک و شیوه شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان هیچ‌گونه هماهنگی ندارد و محققان شیعه امامیه، مؤلف را مجهول و کتاب را غیر معتبر می‌دانند.

اما قول به تحریف به عنوان «نسخ تلاوت»، که خود نوعی تحریف تلقی می‌شود، در صحاح و کتب مورد اعتماد اهل سنت آمده است؛ مانند «حدیث رجم شیخ و شیخه» که در جلد هشتم صحیح بخاری (ص ۲۰۸ تا ۲۱۱) و در جلد چهارم صحیح مسلم (ص ۱۶۷) و جلد پنجم آن (ص ۱۱۶) به عنوان آیه منسوخ التلاوة ذکر شده است، و یا «حدیث رُضعة و رُضعات» که در جلد چهارم صحیح مسلم (ص ۱۶۷) آمده است و گفته شده که در هنگام کفن و دفن پیغمبر اکرم (ص) به جهت غفلت حاضران، گوسفندی آن را خورد، و یا اینکه در جلد پنجم مسند احمد بن حنبل (ص ۱۳۲) ادعا شده است که سوره احزاب معادل سوره بقره بوده است.

از دانشمندان معاصر شیعه امامیه، مرحوم آیه‌الله خویی، در جلد اول کتاب البیان، و علامه طباطبایی، در مطاوی کتاب المیزان، و بخصوص در کتاب قرآن در اسلام، و آیت‌الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن و استاد شیخ محمد تقی شریعتی در مقدمه تفسیر نوین، و دیگران در آثار خود، در رد قول به تحریف دلایلی آورده‌اند که مبین رد هر نوع تحریف مستقیم-مانند کاستن، افزودن، و تحریف غیر مستقیم-مانند نسخ تلاوت و بقای حکم، یا نسخ تلاوت و حکم، و یا نسخ آیه به وسیله سنت-است. خلاصه

دلایل این بزرگان در رد هر نوع تحریف در قرآن به شرح زیر است:

۱- خداوند به صراحت در قرآن، حفظ آن را برای پیغمبر اکرم (ص) تضمین کرده است و می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^{۲۶} و این حفظ اعم از حفظ معنی و لفظ و سوره و آیه آن است و قول و وعده خدا خلاف و خلف ندارد.

۲- حدیث ثقلین-خواه منظور از نقل اصغر، عزت باشد و خواه سنت-که صدور آن از جانب مقدس رسول خدا (ص) مورد اتفاق سنتی و شیعه است. در این روایت، رسول بزرگوار اسلام شرط گمراه نشدن امت را تمسک به هر دو نقل اعلام فرموده است، و اگر کوچکترین تحریف یا نقصانی در قرآن به وجود آمده بود، تمسک به آن نه توصیه می‌شد و نه مفید بود.

۳- روایات متواتر و متناصر و متسالم و متفق علیه فراوانی از ائمه (ع) رسیده است مبنی بر کامل و تمام بودن و جامعیت قرآن کریم، با همین ترتیب سوره‌ها و شمار سوره‌ها و آیات، و همین قرائت.

۴- علمای امامیه، استدلالهای عقلی فراوانی، علاوه بر مستندات نقلی، بر تحریف ناپذیری قرآن آورده‌اند؛ در حالی که مستندات قائلان به تحریف، عموماً سست و بی پایه و غیر عقلانی و خلاف شرع است.

۵- اگر روایات وجود مصحف علی (ع) و برخی دیگر از اصحاب را مسلم و موثق بدانیم و بپذیریم که با قرآن موجود تفاوت داشته است، شکی نیست که تفاوت، در ترتیب سوره‌ها (و نه آیه‌ها)، بوده است، و احیاناً تأویل آیات را دربر داشته است، و در تنزیل، هیچ‌گونه اختلافی وجود نداشته است، چنان‌که در هیچ زمانی هیچ‌گونه اظهاری از جانب ائمه (ع) درباره تحریف نرسیده است.

۶- نظرهای سخیف دیگری نیز در این باره ابراز شده است که به همگی آنها جواب قاطع و محکوم کننده‌ای داده شده که شایسته ذکر در اینجا نیست.

بنابراین موضع شیعه از امام علی بن ابی طالب (ع) و ابی بن کعب و ابن عباس گرفته تا امامان پس از امیرالمؤمنین علی (ع) و پیروان و اصحاب آنان و دانشمندان شیعه در طول تاریخ تاکنون، همگی مبتنی بر تأیید و تعلیم و ترویج قرآن موجود بوده است و اعتقاد به آن را به عنوان وحی الهی که بر پیغمبر اکرم نازل شده، به طور جامع و کامل، جزء ضروریات دین دانسته‌اند، و شک درباره آن یا قول به نقص و تحریف آن را، کفر به اعتقادات دینی به شمار آورده‌اند، و بر این اعتقادند که خدای متعال تاکنون به وعده خود در حفظ قرآن، عمل کرده و از این پس نیز تا روز قیامت، عمل خواهد کرد.

